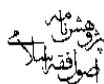


سالنامه علمی - تخصصی
سال هفتم، شماره ۷، سال ۱۴۰۳

برخورد فقهی شیخ انصاری با شهرت فتوایی و سازگاری آن با مبنای اصولی ایشان^۱



علیرضا شکرانی^۲، محمد صالحی بابادی^۳

چکیده

شیخ انصاری مانند بسیاری از فقیهان، شهرت فتوایی را حجت ندانسته و ظن حاصل از آن را داخل در عمومات عدم حجیت ظن به شمار آورده است. با این وجود، در مطالعه آرای فقهی شیخ، مواردی دیده می‌شود که ایشان برای اثبات مطلبی، به شهرت فتوایی تمسک کرده و ظاهراً آن را معتبر دانسته است. برخی در این موارد مدعی تخطی شیخ از مبنای اصولی خویش شده و سه دلیل برای این تخطی یاد کرده‌اند: ۱. جرئت نداشتن بر مخالفت مشهور؛ ۲. تغییر مبنا در طول زمان؛ ۳. تهافت کلی مبنای اصولی و مبنای فقهی. در مقابل، برخی این موارد را با سه توجیه با مبنای اصولی شیخ سازگار می‌دانند: ۱.

۱. تاریخ تأیید مقاله: ۴۰۳/۶/۶

alirezashokrani480@gmail.com

msalehi9085@gmail.com

۲. تاریخ دریافت مقاله: ۴۰۳/۱/۲۰

۳. طلبه سطح سه حوزه علمیه قم، ایران. (نویسنده مسئول)

۴. طلبه سطح دو حوزه علمیه قم، ایران.

انسدادی بودن ایشان در فقه؛ ۲. فتوا ندادن بر خلاف مشهور از باب احتیاط؛ ۳. مفید اطمینان بودن برخی شهرت‌ها به ضمیمه قراین دیگر. به نظر می‌رسد عملکرد فقهی شیخ انصاری مطابق مبنای اصولی ایشان است؛ ولی گاه به جهت احتیاط، و گاهی به دلیل اطمینانی بودن شهرت فتوایی، تفاوت عملکرد فقهی با مبنای اصولی ایشان رخ داده است. در نهایت، اگر جایی عملکرد فقهی با مبنای اصولی شیخ به هیچ وجه قابل جمع نبود، بهترین دلیل بر این ناسازگاری، تفاوت زمانی میان مبنای اصولی و عملکرد فقهی است.

واژگان کلیدی: شیخ انصاری، شهرت فتوایی، حجت، اطمینان، احتیاط، انسداد.

مقدمه

اصل در عمل به ظنون حرمت است، مگر آنکه ظن به دلیلی خاص از شمول این عام خارج شود. حجیت یا عدم حجیت ظن برآمده از شهرت فتوایی و جواز عمل به آن، از موضوعاتی است که از دیرباز محل بحث بوده است. شیخ اعظم انصاری - که بسیاری ایشان را مؤسس اصول فقه امروزی می‌دانند - یکی از دانشمندانی است که متعرض این بحث شده است. ایشان در کتاب فرائد الأصول به صراحت حجیت شهرت فتوایی را به عنوان یکی از ظنون خاصه منکر شده است. پس از ایشان گروهی با بررسی کتب فقهی شیخ انصاری، به این نتیجه رسیده‌اند که شیخ در فقه، به مبنای اصولی خود پایبند نبوده است. در مقابل، گروهی دیگر ضمن انکار این ناسازگاری، به تبیین سازگار بودن عملکرد فقهی شیخ انصاری با مبنای اصولی ایشان پرداخته‌اند.

در نوشتار پیش رو، ابتدا عملکرد فقهی شیخ انصاری در مواجهه با شهرت فتوایی بررسی خواهد شد. سپس باور موافقان و مخالفان سازگاری عملکرد فقهی شیخ انصاری با این مبنای اصولی خویش، بررسی و نقد می‌شود.

پیشینه

تنها پژوهش مستقلی که در خصوص این موضوع یافت شد، مقاله «مقایسه روش استنباط اصولی و فقهی شیخ انصاری در حجیت شهرت» نوشته حمید مؤذنی بیستگانی و محمدرضا کیخا بود. البته برخی فقیهان پس از شیخ نیز به تناسب در این رابطه سخن گفته‌اند. شهید صدر ضمن بحث از حجیت سیره، مطلبی را درباره چرایی تهافت میان

پژوهش‌های
فقهی

سال هفتم، شماره ۷، سال ۱۴۰۳

عملکرد فقهی و مبنای اصولی بسیاری از دانشمندان از جمله شیخ انصاری در خصوص شهرت طرح می‌کند. همچنین آیت‌الله شبیری در ضمن بررسی کلام شیخ انصاری در خصوص بطلان بیع کودک، به چرایی تهافت میان عملکرد فقهی و مبنای اصولی شیخ انصاری می‌پردازد. همچنین برخی محققان در بحث‌های مختلف و برخی از حاشیه‌نگاران مکاسب نظیر سید یزدی، به تناسب در خصوص این موضوع، مطالبی ابراز کرده‌اند که همگی بررسی خواهد شد.

نوآوری این مقاله در آن است که نشان می‌دهد همه موارد توجه شیخ انصاری به شهرت را با یک دلیل مشخص نمی‌توان توجیه کرد و گاهی باید عنایت ایشان به شهرت را از باب احتیاط، و گاه از باب اطمینان‌آور بودن شهرت به ضمیمه قوانین دانست.

مفهوم‌شناسی

شهرت در لغت به معنای روشن بودن امر آمده^۱ و در اصطلاح علم اصول، سه نوع است:

الف) شهرت در روایت (شهرت روایی): یعنی کثرت نقل یک روایت.^۲

ب) شهرت عملی: یعنی یک فتوا به حد شهرت و در عین حال، در مقام فتوا بدان، به مستند روایی آن، استناد شده باشد.^۳

ج) شهرت فتوایی: یعنی شهرتی که با فتوای همه فقیهان شناخته شده، حاصل شده باشد؛ ولی مستند آن فتوا روشن نباشد؛ یا به عبارت دیگر، علم به استناد فتوا به دلیلی خاص، در میان نباشد.^۴ شایسته ذکر است که «استناد فتوا» با «مطابقت فتوا» تفاوت دارد. توضیح آنکه اگر فقیهان در مقام بیان فتوا، دلیل خویش را نیاورند و این فتوا شایع شود، شهرت فتوایی محقق می‌شود؛ زیرا این فتوا در سخن فقیهان «مستند» به دلیل نیست. در عین حال، این فتوا می‌تواند مطابق با دلیلی (مانند اجماع منقول، روایت، یا مانند آن) باشد

۱. جوهری، الصحاح، ج ۲، ص ۷۰۵؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۲۲۲.

۲. خویی، موسوعة الإمام الخوئی، ج ۴۷، ص ۱۶۴.

۳. همان، ج ۴۷، ص ۱۶۶.

۴. انصاری، فرائد الأصول، ج ۱، ص ۲۳۱.

۵. خویی، موسوعة الإمام الخوئی، ج ۴۷، ص ۱۶۷.

که فقیهان در مقام فتوا بدان استناد نکرده‌اند؛ ولی مطابقت مضمونی فتوا با آن دلیل، سبب نمی‌شود که شهرت عملی به شمار آید. از این رو، از نگاه بسیاری از اصولیان در شهرت فتوایی، بین نبودن دلیلی هم‌مضمون با فتوای مشهور یا بودن دلیل هم‌مضمون با فتوای مشهور که فقیهان بدان استناد نکرده باشند، تفاوتی وجود ندارد.^۱ در هر دو حالت، شهرت، از نوع فتوایی است، نه از نوع عملی. در مقاله پیش رو، شهرت فتوایی محل بحث است.

الف) شیوه مواجهه فقهی شیخ انصاری با شهرت فتوایی

شیخ انصاری در فرائد الأصول به حجیت نداشتن شهرت فتوایی به‌عنوان یکی از ظنون خاصه قائل شده است.^۲ بر همین اساس، ایشان در بسیاری از مسائل فقهی بدون اعتنا به شهرت، به دلایل دیگری استدلال می‌نماید.^۳ با وجود این، مواردی در کار فقهی شیخ وجود دارد که ادعا شده که وی پایبند مبنای اصولی خود نبوده است. برای نمونه:

۱. در شرط نخست از شروط متعاقدين (اشتراط بلوغ)، شیخ پس از بررسی ادله مختلف بر شرطیت بلوغ در صحت معامله و رد آنها، دلیل اساسی در بطلان بیع صبی و مسلوب العبارة بودن او را اجماع منقولی می‌داند که با شهرت عظیمه پشتیبانی می‌شود.^۴ شیخ اگرچه کمی بعد انصاف را آن می‌داند که حجت در مسئله شهرت محقق شده، و اجماع منقول در کتاب تذکره است؛^۵ اما با خدشه در این اجماع منقول می‌گوید: «در هر صورت، عمل بر وفق نظر مشهور است.»^۶ ایشان در ادامه با بیان ادله دیگری بر بطلان بیع صبی، در نهایت در مقام جمع‌بندی تصریح می‌کند: «اقتضای اجماع منقول و روایات، پس از انضمام آنها به یکدیگر، عدم اعتبار افعال قصدی صبی است.»^۷

۱. برای نمونه: نایینی، فوائد الأصول، ج ۳، ص ۱۵۳؛ مظفر، أصول الفقه، ص ۵۰۸.

۲. انصاری، فرائد الأصول، ج ۱، ص ۲۳۱.

۳. از جمله: همو، المکاسب، ج ۱، صص ۲۳-۲۵؛ و ج ۳، ص ۵۲۵.

۴. همان، ج ۳، ص ۲۷۸.

۵. همان، ص ۲۸۰.

۶. همان، ص ۲۸۰.

۷. همان، ص ۲۸۴.

۲. در بحث ضمان منافع غیر مستوفاة در مقبوض به عقد فاسد، در نهایت پس از بیان اقوال پنج‌گانه در مسئله، می‌گوید: «توقف در مسئله به انصاف نزدیک‌تر است؛ ولی مطلب علامه حلی در کتاب تذکره ظهور در ادعای اجماع بر ضمان دارد. همچنین ظاهرتر از بیان علامه، ادعای اجماع ابن ادریس حلی در کتاب سرائر بر ضمان در این مسئله است. بنابراین، قول به ضمان در این مسئله خالی از قوت نیست.»^۱ در واقع، ایشان از بین اقوال پنج‌گانه، قولی را می‌پذیرد که اولاً مطابق مشهور است؛ ثانیاً دو نقل از دو عالم (علامه حلی و ابن ادریس حلی) وجود دارد که این قول اجماعی است؛ با وجود اینکه ایشان با خدشه کردن در ادله این قول، باور به توقف را به انصاف نزدیک‌تر دانسته بود.^۲

۳. در مبحث معاطات، پس از بیان ادله افاده کردن یا نکردن ملکیت توسط معاطات، می‌گوید: «دست برداشتن از اصالت عدم ملک (یعنی استصحاب)، که با شهرت عظیم و اجماع منقول پشتیبانی می‌شود - و در نتیجه، دست برداشتن از عدم افاده ملکیت توسط معاطات - مشکل است؛ ولی دست برداشتن از عمومات ادله بیع - و در نتیجه دست برداشتن از ملکیت - مشکل‌تر است.»^۳ ایشان در نهایت قول دوم را پذیرفته و قائل به افاده ملکیت شده است.

۴. شیخ در بحث وجوب استصحاب زیر آسمان با روغن متنجس در مکاسب دو دسته از ادله را پیش می‌کشد؛ چراکه از یک سو روایات مطلقه مبنی بر جواز استصحاب با روغن متنجس داریم، و از سوی دیگر، روایت مرسله‌ای داریم مبنی بر عدم جواز استصحاب زیر سایه که ضعف آن با شهرت و اجماع منقول جبران می‌شود.^۴ ایشان در نهایت می‌گوید: «انصاف آن است که مسئله خالی از اشکال نیست؛ زیرا از سویی روایاتی مبنی بر جواز استصحاب زیر سایه داریم که ابای از تقیید دارند؛ و از سوی دیگر، با شهرت و اجماع منقول مبنی بر عدم جواز مواجهیم. بنابراین تنها ایراد اصالة البرائة، دور شدن از احتیاط و جرئت بر

۱. همان، صص ۲۰۷-۲۰۸.

۲. همان، صص ۲۰۲-۲۰۶.

۳. همان، صص ۵۰-۵۱.

۴. همان، ج ۱، ص ۷۸.

مخالفت مشهور است.^۱

۵. در کتاب الطهارة، ضمن بحث حیض و خون دیدن دختر بچه پیش از کامل شدن ۹ سال، ایشان ابتدا نظر مشهور را آن می‌داند که خون اگر از سمت چپ خارج شود حیض است. در ادامه، دو روایت -یکی از کتاب شریف کافی و دیگری از کتاب شریف تهذیب- می‌آورد. تنها اختلاف این دو روایت، آن است که روایت کافی^۲ خونی که از سمت راست بیاید را حیض می‌داند؛ ولی روایت تهذیب^۳ خون سمت چپ را حیض می‌داند.^۴ شیخ در جمع‌بندی می‌گوید: «عمل بر اساس نظر مشهور است؛ زیرا شهرت برای ما ظن ایجاد می‌کند که روایت تهذیب صادر شده است. همچنین بعید نیست که به‌خاطر کشف یقینی از وجود روایت ظنی الدلالة، بگوییم شهرت حجت است؛ همچنان‌که در اصول به اثبات رسیده است.»^۵

درباره شهرت در موارد پنج‌گانه یاد شده، شایسته ذکر است که در کنار شهرت، غالباً دلیلی دیگر مانند اجماع منقول یا روایت یا مانند آن دیده می‌شود؛ ولی با توجه به تعریف و توضیح شهرت فتوایی در آغاز این نوشتار، شهرت در موارد یاد شده نه از نوع عملی، بلکه از نوع فتوایی است؛ زیرا صرف هم‌مضمون بودن یک یا چند دلیل شرعی با یک فتوای مشهور میان فقیهان، سبب نمی‌شود که شهرت درباره آن فتوا از نوع عملی باشد؛ بلکه باید فقیهان در فتوای خویش، استناد به آن دلیل یا ادله داشته باشند. نتیجه آنکه با علم نداشتن (عدم العلم) به استناد فتوای مشهور به دلیل یا ادله، شهرت درباره فتوا از نوع فتوایی خواهد بود. طبق این توضیح، شهرت‌های یاد شده در موارد پنج‌گانه، از نوع فتوایی است؛ هرچند دلیل یا ادله هم‌مضمون با فتوای مشهور در دسترس باشد.

پیش از این
موضوع را

در هفتم، شماره ۷، سال ۱۴۰۳

۱. همان، ص ۷۹.

۲. «قلت لأبي عبد الله عليه السلام: فتاة منّا بها قرحة في جوفها، و الدم سائل، لا تدري من دم الحيض أو من دم القرحة؟ قال: مرها فلتستلق على ظهرها، ثم ترفع رجلها، ثم تستدخل إصبعها الوسطى، فإن خرج الدم من الجانب الأيمن فهو من الحيض، وإن خرج من الجانب الأيسر فهو من القرحة.» (كلینی، الکافی، ج ۳، صص ۹۴-۹۵).

۳. طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۱، صص ۳۸۵-۳۸۶، ح ۱۱۸۵.

۴. انصاری، کتاب الطهارة، ج ۳، صص ۱۳۵-۱۴۳.

۵. همان، ج ۳، ص ۱۴۳.

این نکته نیز شایان توجه است که مواردی وجود دارد که در مورد چرایی تمسک شیخ انصاری به شهرت، بحث و گفتگوی فراوان شده است^۱؛ حال آنکه به نظر می‌رسد در این موارد، اساساً مراد شیخ تمسک به شهرت نبوده یا اینکه مرادشان شهرت عملی بوده است. یکی از این نمونه‌ها که به عنوان تخطی ایشان از مبنای اصولی خود یاد شده^۲، عبارت «و کیف کان فالعمل علی المشهور» ایشان در بحث عقد صبی - نخستین مورد از موارد فوق الذکر - است. به نظر می‌رسد مراد ایشان از این عبارت، استناد به نظر مشهور نیست؛ بلکه مراد آن است که پس از خالی ماندن دست ما از ادله اجتهادی، مقتضای اصل عملی «اصالة الفساد» بطلان بیع صبی است. در واقع مراد این است که در نهایت اگر ادله اجتهادی را بر بطلان بیع صبی کافی ندانیم، به اقتضای اصول عملیه، نظر ما در نهایت با نظر مشهور یکی می‌شود. شاهد این ادعا آن است که ایشان همین عبارت «العمل علی المشهور» را در موارد پرشماری از کتب فقهی دیگر خود آورده و سپس تعلیل می‌آورد؛ که روشن می‌کند مراد از این عبارت استناد به شهرت نبوده است؛ بلکه مراد این بوده که نظر ما به دلیلی خاص با نظر مشهور منطبق است.^۳ البته ناگفته نماند که ایشان در بحث بیع صبی، به نظر مشهور عنایت دارد که در ادامه خواهد آمد. ولی مراد در اینجا آن بود که عبارت «العمل علی المشهور» درست فهمیده شود؛ چراکه همین عبارت در کتب فقهی دیگر ایشان نیز آمده است. ولی عبارات دیگری که شیخ انصاری در بحث عقد صبی دارند، نشانگر عنایت ایشان به شهرت در این مسئله است.

همچنین برخی موارد که اشکال شده است که شیخ انصاری برخلاف مبنای خود در شهرت فتوایی عمل کرده‌اند، مربوط به شهرت عملی بوده است. همچنان که ابتدا بیان شد، این نوشتار درصدد بررسی عملکرد فقهی شیخ در خصوص شهرت فتوایی است. بنابراین، این نوشتار تنها متعرض مواردی شده که شیخ انصاری به شهرت فتوایی عنایت داشته، و متعرض مواجهه ایشان با شهرت عملی نشده است.

۱. حسینی شیرازی، بیان الأصول، ج ۱، ص ۳۹۸.

۲. شبیری زنجانی، کتاب نکاح، ج ۱۰، ص ۳۳۳۹.

۳. انصاری، کتاب الصلاة، ج ۲، ص ۳۰۷؛ همو، کتاب الطهارة، ج ۵، ص ۲۹.

ب) اقوال مبنی بر ناسازگاری مبنای اصولی و عملکرد فقهی شیخ انصاری
چنان‌که گذشت، مواردی در مباحث فقهی شیخ انصاری وجود دارد که در ظاهر، ایشان در این موارد به مبنای اصولی خود پایبند نبوده‌اند. بعضی از فقیهان در این موارد مدعی تخطی شیخ انصاری از مبنای اصولی خود شده‌اند. در بین ایشان سه نظر در مورد چرایی این تهافت وجود دارد: ۱. عنصر روانی عدم جرئت بر مخالف با مشهور؛ ۲. فاصله زمانی میان اخذ مبنای اصولی و عملکرد فقهی؛ ۳. تهافت کلی میان نظر اصولی و مبنا در عملکرد فقهی.

۱. عنصر روانی عدم جرئت بر مخالفت مشهور

تعبیر عنصر روانی عدم جرئت بر مخالفت مشهور، تعبیری از شهید صدر است. ایشان ضمن بحث از حجیت سیره، با توضیحات مفصلی مدعی می‌شود که عنصر روانی ترس از افتادن در ورطه مخالفت با مشهور بر عملکرد فقهی علما سایه انداخته است. ایشان حجت دانستن سیره را ناشی از همین عنصر روانی دانسته و بر این باور است که این عنصر به مرور زمان در کار فقیهان پر رنگ شده است. سپس ایشان به بیان مثال‌های دیگری از تأثیر این عنصر روانی بر اجتهاد فقهی می‌پردازد؛ از جمله تمسک شیخ انصاری به شهرت در فقه. به باور شهید صدر، با آنکه شیخ در اصول، بسیار محکم قائل به عدم حجیت شهرت فتوایی شده، اما به واسطه همین عنصر روانی، در فقه به اتکای شهرت فتوایی نظر خود را تغییر می‌دهد.^۱

پیشینه
افکار
شیخ
انصاری

سال هفتم، شماره ۷، سال ۱۴۰۳

باید در نظر داشت که شهید صدر این را مفروض گرفته که موارد ناسازگار با مبنای اصولی شیخ در فقه وجود دارد. بنابراین، اگر ثابت شود ادعای تخطی شیخ انصاری از مبنای اصولی خود درست نیست، این باور نیز متزلزل خواهد شد. همچنین اگر ناسازگاری در مواردی ثابت شود، باز این دلیل برای علت ناسازگاری، یک ادعای بی دلیل است و باید به دنبال دلیل دیگری بود.

۲. تفاوت زمانی میان مبنای اصولی شیخ انصاری و عملکرد فقهی ایشان

آیت‌الله شبیری زنجانی از کسانی است که در توضیح تهافت عملکرد فقهی شیخ انصاری و

۱. صدر، مباحث الأصول، ج ۲، صص ۹۳-۹۷.

مبنای اصولی ایشان، به تفاوت دوره مبنای اصولی و عمل فقهی شیخ اشاره دارد. ایشان در ضمن طرح نظر شیخ در مسئله شرطیت بلوغ برای معامله، در توضیح عبارت «و کیف کان فالعمل علی المشهور»، این احتمال را مطرح می‌کند که در زمان بیان این مطلب، شیخ قائل به حجیت شهرت فتوایی بوده، و بعداً در هنگام نوشتن مطلب کتاب فرائد الأصول نظر ایشان تغییر کرده است.^۱

این بیان درباره کتب فقهی دیگر مثل کتاب الطهارة ایشان می‌تواند قابل طرح باشد اما این نظر، همچنان‌که خود آیت‌الله شبیری در ادامه می‌گوید، دست کم در مورد کتاب مکاسب پذیرفتنی نیست.^۲

در واقع شیخ انصاری تا انتها به کتاب مکاسب و رسائل عنایت داشته و اگر مبنای اصولی ایشان تغییر کرده بود مطلبش را در کتاب مکاسب تغییر می‌داد. افزون بر اینکه کسی از شاگردان شیخ گزارش نکرده که وی در دوره‌های اول قائل به حجیت شهرت فتوایی بوده و سپس نظرش تغییر کرده است. با این وجود تا زمانی که بتوان بین عملکرد اصولی و فقهی شیخ سازگاری برقرار کرد، اصل بر این است؛ چراکه تغییر مبنای اصولی یک فقیه در طول زمان خلاف اصل است. در هر صورت، اگر جایی امکان برقراری سازگاری بین مبنای اصولی و عملکرد فقهی شیخ وجود نداشت، این توضیح برای دلیل ناسازگاری بهتر از توضیح پیشین است.

در نهایت، به نظر می‌رسد تمام موارد یاد شده با مبنای اصولی ایشان قابل توضیح است؛ ولی شیخ در پنجمین مورد (خون حیض) تصریح می‌کند که اگر شهرت فتوایی کشف قطعی از وجود یک روایت ظنی الدلالة کند که به ما نرسیده، حجیتش بعید نیست. باتوجه به اینکه شیخ انصاری این فرض به خصوص را در ذیل شهرت فتوایی بحث نکرده و در کتاب فرائد الأصول به طور مطلق حجیت شهرت را نفی نمود، می‌توان این تنافی را ناشی از تنافی زمانی دانست؛ هرچند، (خواهد آمد که) این مثال نیز با سایر مطالب اصولی شیخ انصاری در همان کتاب فرائد الأصول قابل توضیح است.

۱. شبیری زنجانی، کتاب نکاح، ج ۱۰، ص ۳۳۹.

۲. همان، ص ۳۴۰.

۳. تهافت کلی میان نظر شیخ انصاری در اصول و نظر ایشان در فقه

یک نظریه در مورد علت تهافت عملکرد اصولی و فقهی شیخ انصاری در مورد شهرت این است که ایشان با اینکه در اصول حجیت شهرت را منکر شده‌اند، ولی در فقه عملاً قائل به حجیت شهرت بوده‌اند.

این نظریه را محقق حسینی شیرازی، ضمن بحث از حجیت شهرت مطرح کرده است.^۱ به باور وی شیخ انصاری از کسانی است که در فقه عملاً ملتزم به حجیت شهرت بوده است. ایشان مواردی از تخطی فقیهان (از جمله شیخ انصاری) از مبنای اصولی خود در فقه را یاد می‌کند.^۲ در ادامه، ایشان به این پرسش که «اگر فقیهان قائل به حجیت شهرت فتوایی بوده‌اند، پس چرا در مواردی برخلاف شهرت حکم کرده‌اند؟» پاسخ جالبی می‌دهد: «در این موارد، فقیه اطمینان داشته است که قول مشهور مخالف حکم معصوم است و لذا برخلاف مشهور فتوا داده است؛ همچنان‌که اگر خبر واحد صحیح السندی وجود داشته باشد که فقیه مطمئن باشد نظر معصوم برخلاف مؤدای آن است، آن خبر را کنار می‌گذارد.»^۳

این نظر ایشان پذیرفتنی نیست و چنین قوی از کسی غیر از ایشان دیده نشده است. وجهی ندارد که بگوییم فقیه در اصول یک نظر داده ولی در عرصه فقه بر طبق نظر دیگری عمل کرده است. نه تنها دلیلی بر چنین قوی وجود ندارد، بلکه این قول مخالف حکمت علما و اساساً مخالف حکمت طرح مباحث اصولی است. اگر قرار باشد عالمی در اصول، قوی اختیار کرده باشد و بدون هیچ دلیلی در فقه بر مبنای قول دیگری عمل کند پس بحث اصولی او چه معنایی داشته است؟ بله! احتمال مطرح شده پیشین که «فقیه در زمانی قائل به یک مسلک اصولی بوده و سپس آن مسلک اصولی تغییر کرده؛ لذا در جاهایی تهافت بین مبنای اصولی و عملکرد فقهی او دیده شده است»، همچنانی که قبلاً بیان شد می‌تواند در مواردی قوی وجیه باشد.

پیشینه
تفاوت
اصول و فقه

سال هفتم، شماره ۷، سال ۱۴۰۳

۱. حسینی شیرازی، بیان الأصول، ج ۱، صص ۳۷۳-۳۷۴.

۲. همان، ج ۱، صص ۳۹۷-۳۹۸.

۳. حسینی شیرازی، بیان الأصول، ج ۱، ص ۴۰۰.

ج) اقوال مبنی بر سازگاری مبنای اصولی و عملکرد فقهی شیخ انصاری
 بعضی از فقیهان، با توجه به جایگاه علمی شیخ انصاری، منکر تخطی ایشان از مبنای
 اصولی خود در فقه شده‌اند. ایشان مواردی را که به ظاهر با مبنای اصولی شیخ انصاری
 ناسازگار است؛ با توجه به سایر مبانی شیخ انصاری توجیه کرده‌اند. در این میان، سه دیدگاه
 وجود دارد که بررسی می‌شود:

۱. انسداد

بر اساس این باور که قائلانی همچون آقایان بروجردی و شبیری زنجانی دارد^۱، شیخ انصاری
 انسدادی بوده، و از این رو شهرت فتوایی مانند سایر ظنون برای ایشان حجت بوده است.
 توضیح آنکه در فرض انسداد باب علم و علمی برای رسیدن به احکام شرعی تمسک به هر
 ظنی که به طور خاص از آن نهی نشده باشد مانند قیاس، بدون مانع است؛ از این رو، تهافتی
 میان مسلک اصولی و عملکرد فقهی شیخ در خصوص شهرت فتوایی وجود ندارد. شیخ در
 فرض انفتاح شهرت فتوایی را حجت ندانسته ولی در فرض انسداد، دور از ذهن نمی‌داند که
 شهرت حجت باشد.

نقد و بررسی

۱. بسیار دور از ذهن است که شیخ انصاری، بدون آنکه جایی به این مطلب تصریح کرده
 باشد، و حتی کسی از شاگردان ایشان نیز چنین چیزی را از مجلس درس ایشان گزارش
 نکرده باشد، اما قائل به انسداد بوده باشد که در نتیجه آن کل فقه ایشان تحت تاثیر قرار گیرد.
 ۲. از برخی عبارات شیخ^۲ و همچنین تصریحات و گزارش‌های شاگردان ایشان از
 مجلس درس^۱ روشن می‌شود که شیخ قائل به انسداد نبوده و بلکه باب علمی را در اجتهاد،
 مفتوح می‌دانسته است.

۱. بروجردی، *نهاية الأصول*، ص ۵۵۶؛ آیت الله شبیری زنجانی به فراوانی در کتاب نکاح نظریه انسداد را به
 شیخ انصاری نسبت می‌دهد. برای نمونه: شبیری زنجانی، *کتاب نکاح*، ج ۴، ص ۱۱۶، پاورقی ۱؛ و
 ج ۱۰، ص ۳۳۴۱؛ و ج ۲۴، ص ۷۴۸۹.
 ۲. انصاری، *فرائد الأصول*، ج ۱، صص ۴۹۵-۴۹۶ و ۵۰۷-۵۰۸.

۳. شیخ انصاری در بحث حجیت شهرت فتوایی از حجت بودن شهرت فتوایی در فرض انسداد باب علم با عبارت «غیر بعید» یاد می‌کند.^۲ این تعبیر به اذعان محقق تبریزی، إشعار به عدم حجیت دارد؛^۳ لذا اگر شیخ می‌خواست از باب انسداد، تمسک به شهرت کند، باید با تعبیر محکم‌تری حجیت شهرت در فرض انسداد را اثبات می‌کرد.

۴. آیت‌الله شبیری که از قائلان این نظریه بود، بعداً از نظر خود برگشته و به انفتاحی بودن شیخ انصاری اذعان نموده است.^۴

۲. احتیاط

احتمال دیگر در بحث، احتیاط شیخ در مقام افتاء است. توضیح آنکه شیخ در مسلک اصولی خود حجیت شهرت فتوایی را منکر شد؛ به این معنا که نمی‌توان صرفاً با تکیه بر شهرت فتوایی فتوا صادر کرد و آن را دلیل دانست. همچنین شهرت فتوایی نمی‌تواند در مقابل دلیل دیگر قرار گرفته و آن را از حجیت ساقط کند. با این همه، شیخ انصاری -و هر فقیه دیگر- بر خود لازم نمی‌بیند که در هر مسئله‌ای که می‌خواهد، فتوا دهد و ممکن است به هر دلیلی توقف کند.^۵ در نتیجه فتوا ندادن شیخ در برخی مسائل، هیچ منافاتی با مسلک اصولی‌اش ندارد.

آقای احمد عابدی در مقاله «شیوه فقاهت شیخ»، پس از طرح این بحث که شیخ نظر نهایی نمی‌دهد و راه را برای شاگرد باز گذاشته تا خود شاگرد به نظر برسد، دو احتمال برای دلیل این کار بیان می‌کند: نخست آنکه این کار شیخ از باب شاگرد پروری باشد؛ و دوم آنکه شیخ به علت شدت احتیاط در فتوا نظر نهایی را نمی‌دهند. ایشان در نهایت احتمال دوم را پذیرفته و به این نکته استدلال می‌کند که شیخ در اصول، مطالب را بسیار دسته‌بندی شده و با ارائه نظرات روشن بیان کرده است؛ ولی در فقه، شیوه ایشان متفاوت شده و این مطلب بیانگر

پیشینه
اصول فقهی

در هفتم، شماره ۷، سال ۱۴۰۳

۱. آشتیانی، بحر الفوائد، ج ۳، ص ۷۸.
۲. انصاری، فرائد الأصول، ج ۱، ص ۲۳۱.
۳. تبریزی، أوثق الوسائل، ج ۱، ص ۱۱۸.
۴. «شیخ انصاری انفتاحی است نه انسدادی»، شبکه اجتهاد، ۲۷/آذر/۱۳۹۸ ش، B2n.ir/u/۱۰۸۲۵.
۵. عابدی، «شیوه شیخ در فقاهت»، مجله آینه پژوهش (فارسی)، ش ۲۷، ص ۴۷.

آن است که شیخ در فقه که مربوط به کارهای مکلف است در بیان فتوا احتیاط فراوان می‌کرد.^۱ همچنین آقای اکبرنژاد بر این باور است که شیخ انصاری به علت بررسی فراوان آرای فقیهان، عملاً در مقام فتوا دچار نوعی سرگردانی شده، و از این رو نتوانسته به سادگی فتوا دهد.^۲

نقد و بررسی

احتیاط در مخالفت نکردن با مشهور، عنصری است که در کار فقهی بسیاری از فقیهان دیده شده و مختص شیخ نیست. علامه مظفر پس از نفی حجیت شهرت فتوایی تصریح می‌کند که با وجود حجت نبودن شهرت فتوایی تلاش دانشمندان بر این است که از مخالفت مشهور دوری کنند.^۳

در مجموع احتیاط در مقام فتوا را قطعاً می‌توان به عنوان یکی از دلایل عدم مخالفت شیخ با مشهور دانست و مواردی را از این باب به شمار آورد؛ از جمله عبارت شیخ انصاری در بحث استصحاب با روغن متنجس زیر سایه (چهارمین مورد از موارد اشاره شده در ابتدای مقاله) است که به بیان ایشان، اگرچه مقتضای ادله، جواز استصحاب است، ولی حکم به جواز، دور از احتیاط بوده و جرئت بر مخالفت مشهور است. مثال دیگری که برخی حاشیه‌نگاران مکاسب از باب احتیاط دانسته‌اند، در بحث معاطات (سومین مورد از موارد ذکر شده در آغاز مقاله) است.^۴

از سوی دیگر مواردی در کار فقهی شیخ وجود دارد که بی‌شک با احتیاط قابل توجیه نیست، یا دست کم توجیه آن با احتیاط محل خدشه است. به عنوان نمونه در بحث عقد صبی (نخستین مورد از موارد اشاره شده در آغاز مقاله) برخی در حاشیه مکاسب ضمن احتمال احتیاطی بودن سخن شیخ، اشکال کرده‌اند که در اینجا تمسک شیخ انصاری به شهرت را نمی‌توان از باب احتیاط دانست.^۵ برخی مدعی شده‌اند که در این مورد احتیاط، به منع صبی

۱. همان، ص ۴۷.

۲. «مشروح نشست ۳: نقد مکتب اصولی شیخ انصاری (ره)» (۱-)، وبگاه مؤسسه فقاہت و تمدن اسلامی، ۵/مهر/۱۳۹۴ ش، B2n.ir/u44467.

۳. مظفر، أصول الفقه، صص ۵۱۱-۵۱۲.

۴. جزایری مروج، هدی الطالب، ج ۱، ص ۴۷۸.

۵. امامی خوانساری، الحاشیه علی المکاسب، ص ۵۶.

از معامله است، نه قول به بطلان معامله.^۱ برخی دیگر نیز بر این باورند که در این مورد گاهی احتیاط به عدم قول به بطلان است و گاهی احتیاط، هم با قول به بطلان و هم با باور به صحت سازگار است.^۲ همچنین از آنجا که شیخ انصاری در کتاب رساله سراج العباد، فتوا به بطلان بیع صبی داده^۳، عبارت ایشان را نمی‌توان به معنای احتیاط در فتوا دانست.

نمونه دیگر از مواردی که عملکرد فقهی شیخ انصاری با احتیاط قابل توجیه نیست، بحث ضمان منافع غیر مستوفاة در مقبوض به عقد فاسد (دومین مورد از موارد فوق الذکر) است؛ چراکه ایشان در این بحث، قول به ضمان را که قول مشهور و موافق اجماع منقول بود، در مقابل قول به توقف پذیرفتند و ناگفته پیداست که مقتضای عمل بر وفق احتیاط، توقف در مسئله است. بنابراین برای توضیح سازگاری مثال‌های یاد شده با مبنای شیخ انصاری، باید به دنبال توجیه دیگری گشت.

۳. اطمینان‌آور بودن شهرت به انضمام قراین

آخرین توجیهی که برای تمسک شیخ انصاری به شهرت فتوایی ذکر می‌شود، اطمینان‌آور بودن شهرت است. توضیح آنکه شیخ در کتاب فرائد الاصول، پس از اینکه بسیاری از اجماعات منقول را غیر حسی دانست، تصریح کرد که اجماعات منقول عادتاً ملازم با قول امام نیست و تحقق اجماع منقولی که ملازم با قول امام معصوم است، برای ناقل محال است.^۴ ایشان در ادامه، محمل ادعای اجماع را یکی از این سه مورد دانسته که مراد از اجماع: ۱. اتفاق معروفان اهل فتوی باشد؛ ۲. اجماع کل باشد ولی ناقل، این اجماع کل را از دیدن فتوای علمای معروف عصر خودش حدس زده است؛ ۳. اجماع کل باشد و ناقل اجماع این اجماع را با حدس به دست آورده باشد. توضیح اینکه ممکن است عالمی با دیدن یک روایت یا مانند آن بگوید: «قطعاً علمای دیگر هم باتوجه به این روایت، فتوایشان

پیشینه
اصول فقهیه

سال هفتم، شماره ۷، سال ۱۴۰۳

۱. حسینی شیرازی، ایصال الطالب إلى المكاسب، ج ۶، ص ۲۴۱.

۲. یزدی، حاشیه المكاسب، ج ۱، ص ۱۱۴.

۳. انصاری، رساله سراج العباد، ص ۷۸.

۴. همو، فرائد الأصول، ج ۱، ص ۲۰۲.

فلان مطلب خواهد بود.^۱ ایشان در ادامه فایدهٔ اجماع منقول را آن می‌داند که با توجه به اجماع منقول، ما پی می‌بریم که ناقل اجماع، فتوای تعدادی از دانشیان و حداقل دانشمندان صاحب نام را دیده است. حال اگر خودمان به سراغ بررسی فتوای تعدادی دیگر از دانشمندان برویم، می‌توانیم از کنار هم قرار دادن این شهرت محصل و آن اجماع منقول، به اتفاق نظر دانشمندان برسیم. چنین اتفاق نظری می‌تواند مستلزم موافقت معصوم با قول این علما باشد. به عنوان مثال، از نقل اجماع شیخ طوسی، پی می‌بریم که همهٔ اهل فتوی در زمان شیخ طوسی چنین فتوایی داشته‌اند. با اینکه قول جمیع علما در زمان شیخ طوسی به تنهایی برای ما حجت نیست، ولی اگر این مطلب شیخ طوسی را به فتاوای دانشمندان متأخر از ایشان و همچنین بعضی امارات دیگر ضمیمه کنیم، می‌توان از مجموع این موارد، قطع به حکم شرعی پیدا کرد.^۲

ایشان در ادامه ادعا می‌کند که گاهی ممکن است به ضمیمهٔ اجماع منقول و شهرت محقق و سایر امارات، نتوان به صدور حکم واقعی از امام قطع پیدا کرد ولی بتوان به صدور دلیل ظنی الدلالة قطع پیدا کرد که اگر آن خبر به ما هم می‌رسید، براساس مفاد آن، حکم می‌کردیم. در چنین وضعیتی نیز ایشان همین مقدار آگاهی را برای صدور فتوا کافی می‌شمارند. البته به باور ایشان، چنین علمی در همهٔ موارد شهرت یا اجماع منقول اتفاق نمی‌افتد و ممکن است در مواردی به صورت خاص چنین علمی برای ما حاصل شود.^۳

باتوجه به توضیح فوق، روشن می‌شود که گاهی شهرت محقق در کنار اجماع منقول یا سایر قرائن، می‌تواند برای ما قطع یا اطمینان به حکم شرعی ایجاد کند. بنابراین، اینجا فتوای مطابق با شهرت فتوایی به خاطر حجت دانستن شهرت فتوایی نیست؛ بلکه در واقع به دلیل قطع یا اطمینانی است که حاصل کرده‌ایم. این مطلب منافاتی با حجت ندانستن شهرت فتوایی به عنوان یکی از ظنون خاصه ندارد. از این توضیحات، روشن می‌شود که می‌توان برخی موارد استناد شیخ انصاری به شهرت فتوایی را از باب اطمینان‌آور بودن آن در کنار

۱. همان، ج ۱، صص ۲۰۲-۲۰۴.

۲. همان، صص ۲۱۴-۲۱۵.

۳. همان، ص ۲۱۷.

سایر قراین دانست. این مطلب به تفصیل در مقاله «مقایسه روش استنباط اصولی و فقهی شیخ انصاری» تبیین شده است.^۱ در این مقاله، نویسندگان تمام موارد عنایت شیخ انصاری به شهرت فتوایی را به دلیل اطمینان آور بودن آن دانسته‌اند.

نقد و بررسی

اگرچه حجت بودن شهرتی که با در دیگر قراین مفید اطمینان باشد، کاملاً با مبانی اصولی شیخ انصاری منطبق است -و چنان‌که گذشت-، مورد تصریح خود ایشان است، ولی نمی‌توان تمام موارد توجه شیخ به شهرت فتوایی را از این باب دانست. به‌عنوان مثال، ایشان در بحث معاطات، مسئله را دارای اشکال می‌داند؛ زیرا در یک سو شهرت بزرگ و در سوی دیگر عمومات ادله بیع وجود دارد. ایشان در نهایت دست برداشتن از عمومات را مشکل‌تر دانسته و بر وفق مشهور فتوا نمی‌دهد.^۲

ناگفته پیداست که اگر شهرت موجب اطمینان شیخ شده بود، دارای اشکال دانستن مطلب بی‌معنا بود. همچنین در بحث استصحاب با روغن متنجس زیر سایه، ایشان اقتضای ادله را جواز استصحاب می‌داند و به تصریح خودش صرفاً به‌خاطر احتیاط، در مقابل مشهور فتوا نمی‌دهد. در این مورد نیز ناگفته پیداست که اگر شهرت باعث اطمینان شیخ بود، با این ادبیات مطلب را بیان نمی‌کرد. ولی در مواردی قطعاً توجه شیخ انصاری به شهرت از باب اطمینان است؛ به‌عنوان نمونه، وی در بحث حیض بودن خون خارج شده از سمت چپ، تصریح می‌کند حجیت شهرتی که باعث قطع به صدور دلیل ظنی الدلالة باشد، بعید نیست.^۳ همچنین در بحث عقد صبی در نهایت تصریح می‌کند که اقتضای قرار دادن اجماع منقول (که از نظر شیخ حداقل مفید شهرت علماست) در کنار روایات، عدم اعتبار افعال قصدیّه صبی است. در اینجا نیز کاملاً روشن است که شیخ با کنار هم قرار دادن شهرت و امارات و قراین دیگر، اطمینان به حکم شرعی ایجاد می‌کند.

پیشینه
اصول فقهی

سال هفتم، شماره ۷، سال ۱۴۰۳

۱. مؤذنی بیستگانی، کیخا، «مقایسه روش استنباط اصولی و فقهی شیخ انصاری در حجّیت شهرت»، مجله جستارهای فقهی و اصولی، ش ۱۹، صص ۱۹۵-۲۱۷.
۲. انصاری، المکاسب، ج ۳، صص ۵۰-۵۱.
۳. همو، کتاب الطهارة، ج ۳، ص ۱۴۳.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مواردی در کار فقهی شیخ انصاری وجود دارد که در ظاهر با مبنای اصولی وی درباره عدم حجیت شهرت فتوایی سازگار نیست؛ از این رو گروهی قائل به تهافت عملکرد فقهی و اصولی شیخ انصاری شده‌اند. ولی نظر درست آن است که ایشان هیچ‌گونه تخطی از مبنای اصولی خود نداشته است. در مواردی، ایشان به شهرت فتوایی اعتنا کرده و در مقابل شهرت فتوایی، فتوا نداده؛ که این موارد را باید از باب احتیاط دانست. در مواردی دیگر، اقتضای ادله در ظاهر، خلاف نظر مشهور است؛ ولی با وجود این، ایشان بر اساس نظر مشهور حکم کرده است. در این موارد، شهرت فتوایی در کنار سایر امارات برای ایشان اطمینان به حکم واقعی ایجاد کرده است. البته گروهی با نسبت دادن نظریه انسداد به شیخ انصاری، تلاش کرده‌اند که تهافت ظاهری میان مبنای اصولی و عملکرد فقهی ایشان را حل کنند؛ ولی در این نگاشته بیان شد که این رویکرد درست نیست.

منابع و مآخذ

۱. آشتیانی، محمدحسن، بحر الفوائد فی شرح الفرائد، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، ج ۱، ۱۴۲۹ق.
۲. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ج ۱، ۱۴۰۴ق.
۳. امامی خوانساری، محمد، الحاشیة علی المکاسب، قم: [بی‌نا]، ج ۱، ۱۴۰۰ق.
۴. انصاری، مرتضی بن محمد امین، رساله سراج العباد، قم: اسماعیلیان، ج ۱، ۱۳۷۳ش.
۵. _____، فرائد الأصول، قم: مجمع الفکر الإسلامی، ج ۹، ۱۴۲۸ق.
۶. _____، کتاب الصلاة، قم: مجمع الفکر الإسلامی، ج ۱، ۱۴۱۵ق.
۷. _____، کتاب الطهارة، قم: مجمع الفکر الإسلامی، ج ۱، ۱۴۱۵ق.
۸. _____، المکاسب، قم: مجمع الفکر الإسلامی، ج ۱، ۱۴۱۵ق.
۹. بروجردی، حسین طباطبایی، نهاية الأصول، تهران: نشر تفکر، ج ۱، ۱۴۱۵ق.
۱۰. تبریزی، میرزا موسی، أوثق الوسائل فی شرح الرسائل، قم: کتبی نجفی، ج ۱، ۱۳۶۹ق.
۱۱. جزایری مروج، محمدجعفر، هدی الطالب إلى شرح المکاسب، [بی‌جا]: طلیعة النور، ج ۱، ۱۴۱۶ق.
۱۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، بیروت: دار العلم للملایین، ج ۳، ۱۴۰۴ق.
۱۳. حسینی شیرازی، صادق، بیان الأصول، قم: دار الأنصار، ج ۲، ۱۴۲۷ق.
۱۴. حسینی شیرازی، محمد، إیصال الطالب إلى المکاسب، تهران: منشورات الأعلمی، [بی‌تا].

پیشینه
فقهی

برخورد فقهی شیخ انصاری با شهرت فتوایی و سازگاری آن با مبنای اصولی ایشان

۱۵. خویی، ابوالقاسم، موسوعة الإمام الخوئي، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئي، چ ۱، ۱۴۱۳ ق.
۱۶. شبیری زنجانی، موسی، کتاب نکاح، قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز، چ ۱، [بی تا].
۱۷. «شیخ انصاری انفتاحی است نه انسدادی»، وبگاه شبکه اجتهاد، ۲۷ آذر ۱۳۹۸ ش، B2n.ir/u/10825.
۱۸. صدر، محمدباقر، مباحث الأصول، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چ ۱، ۱۴۰۸ ق.
۱۹. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحکام، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چ ۴، ۱۳۶۵ ش.
۲۰. عابدی، احمد، «شیوة شیخ در فقهات»، مجله آینه پژوهش (فارسی)، ش ۲۷، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مرداد و شهریور ۱۳۷۳ ش.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چ ۵، ۱۳۶۳ ش.
۲۲. مؤذنی بیستگانی، حمید؛ کیخا، محمدرضا، «مقایسه روش استنباط اصولی و فقهی شیخ انصاری در حجّیت شهرت»، مجله جستارهای فقهی و اصولی، ش ۱۹، مشهد: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم-شعبه خراسان رضوی، تابستان ۱۳۹۹ ش.
۲۳. مظفر، محمدرضا، أصول الفقه، قم: بوستان کتاب، چ ۵، ۱۳۸۷ ش.
۲۴. «مشروح نشست ۳: نقد مکتب اصولی شیخ انصاری (ره)» (۱-)، وبگاه مؤسسه فقهات و تمدن اسلامی، ۵ مهر ۱۳۹۴ ش، B2n.ir/u/44467.
۲۵. نایینی، محمدحسین، فوائد الأصول، قم: مؤسسه انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۳۷۶ ش.
۲۶. یزدی، محمدکاظم طباطبایی، حاشیه المکاسب، قم: اسماعیلیان، چ ۴، ۱۴۱۰ ق.

